

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آزاد ل،

۲۲ مارچ ۲۰۱۳

نوکر زبان باز!!!؟؟

مرا مرگ خوشتر از آن زندگی

که سالار باشم کنم بندگی

فردوسی

طوری که به همه هموطنان شریف ما معلوم است نظر به لزوم دید استعمار جهان خوار به رهبری ایالات متحده آمریکا در جلسه به اصطلاح تعیین کننده بن سر نوشت افغانستان از بین چند گروه ، احزاب و شخصیت های مرتجع، وطن فروش ، خاین به ملت ، و غلام و نوکر های پاکستانی ، عربی ، ترکی ، انگلیسی ، روسی، چینی، هندوستانی ، تاجکستانی و ایرانی آدمی با سابقه خدمت به آی. اس. آی و سی. آی. ای ، نوکر صبغت الله مجددی و پا بوس ملا عمر و دست بوس ملا ربانی ، عاشق شورای نظار با وجدان خفته از جمع تمام آنها حامد کرزی انتخاب، سپرده و تحفه گویا تقدیم شد و قیل و قال پشت پرده آقایون ملا ربانی خم چشم ، عبدالله عبدالله ، یونس قانونی و مخصوصاً پرو فیسور عبدالستار سیرت که کمافی السابق بوت های بابای کرزی (ظاهر شاه) را رنگ می زد به جایی نرسید اجباراً به وعده و وعید های ار تجاعی از طرف امریکا و شرکاء ، آنها قناعت موقت کردند همشان خود را در خدمتگذاری و چاپلوسی، عمل کرد های خاینانه و این که چقدر به نفع ارباب قدرت عمل می نمایند و توانائی آن را دارند که ملت محروم و قهرمان افغان را سالهای دیگر زیر تأثیر ورد و اوراد مقدس خود کمافی السابق در آورده و مطیع غربیان می سازند در درجه اول می دیدند و این که چنین شانسی را از دست می دهند مایوس از شرایط به وجود آمده و امیدوار به آینده با دست بوسی و احترام به بادار شان خاموشی اختیار و همچنان خود را به آنچه پستی و بیناموسی و ذالت استعمار بود، متعهد نشان دادند و با کلمات و جملات مترقی نما به دربار قدرت های امپریالیستی تجدید پیمان نموده و حلف وفاداری یاد نمودند !!!؟؟ به هر صورت بعد از کشته شدن قوماندان عبدالحق، «کرزی» مهمترین شاخص تصمیم گیری امریکا با نظر داشت سابقه کاری و خدمتگذاری شان به دربار استعمار و تعویل هدایات آنها در پیروی در دفاع از طالبان قرار گرفت و بیچاره «کرزی» با وجدانی که نداشت و یا اگر هم داشت شکسته و خراب اما با افتخار این مسؤولیت رهبری افغانها را منحیث ببرک امریکائی و یا شاه شجاع سوم تاریخ با احترام زایدالوصفی قبول و برای این که بادار پشیمان نشود شروع نمود به دست بوسی ربانی، ظاهر شاه، سجد نمودن به خلیل زاد و از همین قماش آدم های بی وجدان و با کمال اطمینان و وعده و وعید های بیشمار با اطمینان نسبی که

از باداران داشت شروع به کار نمود !!؟؟

اولین کارش جمع آوری خونخوارترین، وحشی‌ترین و ناانسان‌ترین آدمها که سالهای سال این ملت زجر کشیده را به خون نشانده بودند، بود تا باشد با دادن مصونیت قانونی به آنان با همکاری این همه افراد جانی، آدمکش و بی وجدان و وطن فروخته، دورانی را با ناز و نعمت شاهانه بگذراند این‌ها همه از یک قماش اند و در دفاع از همدیگر حتی حاضراند از ناموس خود هم بگذرند این‌ها در مقابل تجاوز اعراب خواهر، مادر، زن، دختر و تمام نوامیس ملی را پیشکش کردند؟؟ و تا امروز به نام رهروان اسلام، غلامکان اعراب، ناموس فروشان افغان، و بندگان بی غل و غش اعراب، امریکا، انگلیس، ایران و پاکستان افتخار می‌کنند؟؟

کرزی مثل همه خائنین به تصور این که مبدا روزی به نحوی از انحاء با وجود خدمات خالصانه اش به امریکا و غرب مورد خشم آن‌ها قرار گیرد در صدد جلب توجه و همکاری و ترحم کشور های دیگر شد و با سابقه خدمت گذاری که به آی. اس. آی پاکستان و هم چنان ارتباطاتی که با رژیم آخوندی ایران داشت که بعداً به تماس های مستقیم و رو یا روی شدن به بهانه حل موضوعات بین الاسلامی این ارتباطات را قایم تر نمود، در قدم اول قرار داشت و توجه بیشتر نمود و در جریان خدمتگذاری و مداحی به واشنگتن احترام مشابه و عاجزانه ای هم در مقابل پرویز مشرف از خود نشان می داد اما پرویز مشرف که خود نوکر و خدمتگار انگلیس بود با آگاهی کامل از جریانات، کمترین ارزشی هم به آقای کرزی و دار و دسته اش قایل نبود و او با وجود نوکر بودن خود را از طریق تحقیر کرزی می پوشانید و به آملی مثل کرزی این بی شخصیت ترین فرد دنیای سیاست من حیث رئیس جمهور افغانستان، نه در افغانستان، نه در پاکستان و نه هم در گرد هم آئی های شان در امریکا احترام قایل نشد، در بعد داخلی هم آقای کرزی باید به هر سازی می رقصید، چون مجبور بود در پهلو و حمایت دیگر وطن فروشان و بی وجدانان کشور خود را محفوظ دارد و به این ملحوظ مجبور بود تمام خواسته های چپاولگران هستی مردم ما را که در مجموع همه نا مشروع، غیر انسانی و غیر عادلانه بود بر آورده سازد، تقسیم قدرت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و بهره برداری از منافع ملی کشور !! تنها چیزی را که به خود و چند یار قدیمش اختصاص داد همانا جیره معاش از دولت های پاکستان و ایران بود !! چون همه بی وجدانی ها و خیانت های او به منافع ملی کشور به خاطر بقای خود و محفوظ نگه داشتن همین عایدات نا مشروع وی به ارتباط خدمت گذاری به آی. اس. آی و آخوند های ایرانی بود تا در وقت باز گشت به امریکا و یا پناه بردن به یکی از این کشور هائی که خود را وابسته می دانست حداقل یک زندگی نسبتاً مرفه در حدود نوکر بودن داشته باشد، برای وی فرقی نداشت که در پهنای سیاسی و اقتصادی کشور چه چیز های در جریان است و کی مشغول چه کاری است ؟ و چه اند از نفعی می برد؟؟ بیچاره طفلک استعمار در فکر زراندوزی خود و میرویس جان شان بود !! (دور از میرویس های ما بوده هزار کوه سیاه در میان باشد) باداران در جمله خواست های مهم سیاسی شان پیمان ستراتیژیک و تأمین منافع استعمار در کشور که جناب شان ساعت ۱۱ و نیم شب از خواب ناز بر خاستند و با بادار اصلی اش در بگرام نیمه شب ملاقات و این پیمان را با افتخار امضاء فرمودند و هر چه هدایت باداران بود وی بدون چون و چرا عملی نمود.

در کشتار بیرحمانه مردم شریف ما توسط بمباردهای شدید و وحشیانه نیرو های ائتلاف فقط با اعلامیه ای اکتفاء نمود و بعضی مواقع آن را به اصطلاح (شدید) اعلام کرد و چند پولی نا چیز از سهمیه خیرات متجاوزین به باز ماندگان آن کشتار ها مهربانانه تقدیم داشتند، چون فکر می کردند این ملت ساده فکر و ساده اندیش با همین چند پول امریکائی ها خون بهای عزیزان از دست رفته شان را دریافت می دارند (سوء استفاده از خوشبختی های مردم ما) به هر صورت جناب شان از ابتداء به برادر گوئی طالبان پرداختند، شخصاً سالهای سال من حیث نماینده طالبان در امریکا ایفای وظیفه می نمودند و این بی وجدان های شریر و جنایت پیشگان محمدی از هیچ نوع جنایت در حق این ملت دریغ

آرزوی این فرزند چند پدره این بود که در این ماجرا حیثیت قهرمان به او داده شود !!!؟؟ و این واقعاً برای نوکرانی مثل ایشان نا امید کننده است ، چون آن‌ها هم می خواهند در ارتباط همچو موضوعاتی یک بینی خمیری داشته باشند و این که صبر کرزی بیچاره تمام شده و گنجایش بیشتر نداشت مجبوراً این نکات را به رسانه‌ها در میان گذاشته است، مگر اکنون خیلی دیر شده و همه فهمیده اند، آقای کرزی می گوید:

(البته با زبان بی‌زبانی) که من نوکرم و خدمتگذار ! چرا مرا در حاشیه می گذارید؟؟ (باید شما تمام پلان های تانرا از طریق من و دار و دسته ام عملی سازید نه این که رسماً و مستقیماً با طالبان با همکاری پاکستان انجام دهید خدمتگذاری های یک عمر من چی شد؟؟) بلی این سخنان کرزی آن خدمتگذاران و پا بوسان امپر یالیسم را هم به وحشت انداخته تا نشود تقریباً ۲۰ حزب متحد شده که در نوکری دست کمی از کرزی ندارند مورد خشم بادر قرار گیرند و آن‌ها هم با دستپاچگی علیه گفتار اخیر کرزی به پا خاسته و این گفته‌ها را در این مقطع تاریخ اشتباه مطلق عنوان نمودند با وجودی که ممکن است (احتمالاً) کرزی خواسته با این واکنش‌ها نشان دهد که او مثل شاه شجاع و بیرک کارمل نیست اما الان فکر می کنم دیر شده است وجدانی که خفته باشد بیداری آن خیلی مشکل است گفتار چند روز قبل وی تلاشی در این باره است.

"جناب شان" در یکی از بیانیه های تلویزیونی "شان" گفتند : آنها زور دارند ، اگر من هم زور داشته باشم یک رئیس جمهور دست نشانده در واشنگتن می سازم !!!؟؟ این است آنچه آقای کرزی و شرکاء می اندیشیند، بدبخت کرزی و دار و دسته اش.